

## **Challenges facing the use of Civil Partnership contract in the Iranian Development Banks Based on Expert Opinions and Presenting Project Murabaha as Alternatives**

**Hossein Meisamy \***

Received: 2021/05/05

Accepted: 2022/04/28

### **Abstract**

Civil Partnership agreement is one of the most widely used contracts in the Iranian banking network, the use of which in practice is usually accompanied by numerous conditions in the contract, which removes the framework of this contract from its partnership nature. This issue has always been criticized and Islamic banking researchers have repeatedly proposed the solution of allocating the use of Civil Partnership contracts to development banks. The main question of this study is: "What are the challenges of applying Civil Partnership contract in Iranian development banks and what alternative solution can be offered in this regard.?" To answer this question, the field survey method (case study in a selected development bank), as well as the two-stage Delphi method, are used to gather expert opinions. The research findings show that in practice neither the lender nor the bank have any real intention to partner with each other and their goal is simply "financing at a fixed and predetermined interest rate with minimal risk." Therefore, the widespread use of Civil Partnership contracts faces challenges such as: guaranteeing repayment of principal and interest, non-participation of the bank in losses, pricing the project based solely on expected profits, calculating accrued profits even during the project implementation period and receiving collateral (in relation to Principle, interest, penalties etc.). Research policy recommendation is the need to limit the use of Civil Partnership contracts to specific cases (similar to the experience of Islamic banks in other countries) and the widespread use of the "Project Murabaha or project credit" tool for most applicants of development banks.

**Keywords:** Civil Partnership, Development Banks, Murabaha, Islamic Jurisprudence, Iran.

**JEL Classification:** JEL: D53, E52.

---

\*Associate professor of economics and a board member of the monetary and banking research institute (MBRI), Central Bank of the Islamic Republic of Iran.  
h.meisamy@mbri.ac.ir

## آسیب‌شناسی کاربرد مشارکت مدنی در بانک‌های توسعه‌ای بر اساس نظر خبرگان و ارائه مرابحه پروژه‌ای به عنوان جایگزین

حسین میثمی\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۸

مقاله جهت اصلاح به مدت ۱۳۵ روز نزد نویسنده بوده است.

### چکیده

قرارداد مشارکت مدنی از جمله عقود پرکاربرد در شبکه بانکی کشور است که استفاده از آن در عمل معمولاً با شروط ضمن عقد متعدد همراه می‌گردد و این مسئله ماهیت عقد را از ویژگی مشارکتی خود دور می‌سازد. این موضوع همواره مورد نقد اندیشمندان واقع شده و لذا راهکار اختصاص استفاده از عقد مشارکت مدنی به بانک‌های توسعه‌ای، به کرات توسط محققین بانکداری اسلامی مطرح شده است. پرسش اصلی تحقیق حاضر آن است که: «چالش‌های کاربرد عقد مشارکت مدنی در بانک‌های توسعه‌ای کشور کدام است و چه راهکار جایگزینی می‌توان در این رابطه ارائه کرد؟». جهت پاسخگویی به این سؤال از روش بررسی میدانی (مطالعه موردی در یک بانک توسعه‌ای منتخب) و همچنین روش دلفی دومرحله‌ای جهت گردآوری نظرات خبرگان استفاده می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در عمل نه تسهیلات‌گیرنده و نه بانک اساساً نیت و قصد مشارکت واقعی با یکدیگر ندارند و هدف آنها صرفاً «تأمین مالی با نرخ سود ثابت و از پیش تعیین شده با حداقل ریسک» است. لذا استفاده گسترده از عقد مشارکت مدنی با چالش‌هایی مواجه است که تضمین بازپرداخت اصل و سود، مشارکت نکردن بانک در زیان، قیمت‌گذاری پروژه صرفاً بر اساس سود مورد انتظار، محاسبه سود به صورت تعهدی حتی در دوره اجرای پروژه و در نهایت دریافت وثیقه (در رابطه با اصل، سود، وجه التزام و غیره) برخی از مهم‌ترین آنها محسوب می‌شوند. توصیه سیاستی تحقیق ضرورت محدود شدن استفاده از عقد مشارکت مدنی در بانک‌های توسعه‌ای کشور به موارد خاص (مشابه تجربه بانک‌های اسلامی در سایر کشورها) و استفاده گسترده از ابزار «مرابحه پروژه‌ای یا اعتبار برای پروژه» در رابطه با اکثر متقاضیان تسهیلات می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** مشارکت مدنی، بانک‌های توسعه‌ای، مرابحه، فقه اسلامی، ایران.

طبقه‌بندی JEL: D53, E52

\* عضو هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

## ۱. مقدمه

عقود مشارکتی از مهم‌ترین قراردادهای شرعی محسوب می‌شوند که از زمان پیدایش دانش بانکداری اسلامی، مورد تأکید محققین این حوزه قرار گرفته‌اند. به طور خاص، مدل‌های نظری اولیه بانکداری اسلامی، عمدتاً با این فرض که عقود مشارکتی هسته اصلی بانکداری منطبق با شریعت هستند، توسعه یافته‌اند. به عنوان نمونه، الگوی بانکداری بدون ربای ارائه شده توسط شهید صدر (ره) اساساً یک الگوی مشارکتی با محوریت مضاربه است و عقود مبادله‌ای در آن جایی ندارد (صدر، ۱۴۱۷ق.، ص. ۲۵).

در عمل نیز در دهه‌های هفتاد، هشتاد و نود میلادی، استفاده از عقود مشارکتی گفتمان رایج در میان بانک‌های اسلامی در دنیا بود؛ چرا که بسیاری از محققین ستون فقرات بانکداری اسلامی را قراردادهای مشارکتی در نظر می‌گرفتند. شاید به همین علت بود که در تحقیقات موجود در آن دوره، بانکداری اسلامی اساساً معادل «مشارکت در سود و زیان»<sup>۱</sup> در نظر گرفته می‌شد و سایر عقود به عنوان مکمل عقد مشارکت مطرح می‌گردید (توتونچیان، ۱۳۷۹، ص. ۳۰۶).

با این حال بانک‌های اسلامی در دو دهه اخیر با صرف هزینه بسیار و مشاهده نتایج واقعی کاربرد عقود مشارکتی در عمل، به این نتیجه رسیدند که استفاده از این عقود به صورت گسترده توسط بانک‌های اسلامی امکان‌پذیر نبوده و بانک‌های اسلامی را با ریسک‌های گوناگونی مواجه می‌سازد. در حالی که به لحاظ شرعی این عقود هیچگونه مزیتی نسبت به عقود مبادله‌ای نداشته و استفاده از آنها جهت پاسخگویی به تمامی نیازهای مشتریان نه ضرورت داشته و نه اساساً امکان‌پذیر است. شاید به همین دلیل است که در حال حاضر عمده تسهیلات بانک‌های اسلامی در دنیا با استفاده از عقود مبادله‌ای (مانند مرابحه، اجاره و استصناع) پرداخت شده و عقد مشارکت صرفاً در پروژه‌های خاصی که بانک

---

<sup>۱</sup> Profit and Loss Sharing (PLS)

حقیقتاً قصد شراکت در سود و زیان دارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد (حبیب<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹، ص. ۱۲۵).

در نظام بانکی کشور عقد مشارکت مدنی به صورت گسترده توسط شبکه بانکی مورد استفاده قرار می‌گیرد (جدول یک ملاحظه شود) و البته کاربرد آن در بانک‌های توسعه‌ای و تخصصی بیش از بانک‌های تجاری است. با این حال در عمل مشارکت مدنی با شروط ضمن عقد متعدد (از جمله تضمین اصل و سود توسط مشتری، مشارکت نکردن بانک در زیان و غیره) اجرا می‌شود که این مسئله همواره مورد انتقاد محققین بانکداری اسلامی در کشور قرار گرفته است. پیشنهادی هم که معمولاً در این رابطه مطرح می‌شود، استفاده از عقود مبادله‌ای و تمرکز بانک‌های توسعه‌ای و تخصصی بر روی استفاده از عقود مشارکتی (به ویژه مشارکت مدنی) است؛ زیرا این فرض وجود دارد که بانک‌های توسعه‌ای و تخصصی ظرفیت مناسبی جهت استفاده از عقود مشارکتی به ویژه جهت حمایت از پروژه‌های تولیدی، دارند (حاجیان، ۱۳۹۰، ص. ۷۸؛ موسویان، ۱۳۹۰، ص. ۳۲۴؛ قلیچ، ۱۳۹۵، ص. ۱۷).

جدول ۱: میزان استفاده از عقد مشارکت مدنی در شبکه بانکی کشور

۱۴۰۰/۶/۳۱	۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	
۶۵,۶	۷۲,۲	۸۳,۹	۸۶,۴	۸۷,۹	۸۶,۸	درصد استفاده از عقد مشارکت مدنی در مقایسه با کل تسهیلات مشارکتی
۱۵,۷	۱۶,۹	۲۵,۱	۳۱,۳	۳۷,۸	۴۲,۳	درصد استفاده از عقد مشارکت مدنی در مقایسه با کل تسهیلات (مشارکتی و غیرمشارکتی)

\* منبع: بانک مرکزی، گزیده آمارهای اقتصادی سال‌های مختلف

این تحقیق تلاش می‌کند تا با بررسی میدانی آسیب‌های اجرای عقد مشارکت مدنی در یکی از بانک‌های توسعه‌ای کشور و جمع‌آوری نظر خبرگان بانکداری اسلامی در این

رابطه (با استفاده از روش دلفی دو مرحله‌ای) فرض مذکور را مورد چالش قرار داده و نشان دهد که استفاده عمومی از عقد مشارکت مدنی حتی در بانک‌های توسعه‌ای نیز امکان‌پذیر نبوده و با نیاز و هدف بانک و مشتری سازگاری ندارد. همچنین در این پژوهش راهکار مباحثه پروژه‌ای به عنوان جایگزین عقد مشارکت مدنی برای استفاده در بانک‌های توسعه‌ای ارائه می‌گردد. بر این اساس، سؤالات اساسی که در این تحقیق به آنها پاسخ داده می‌شود عبارت‌اند از:

الف- مهم‌ترین چالش‌های عملیاتی استفاده از عقد مشارکت مدنی در بانک‌های توسعه‌ای کشور کدام است؟

پ- چگونه می‌توان از راهکار «مباحثه پروژه‌ای» به عنوان جایگزین عقد مشارکت مدنی در بانک‌های توسعه‌ای کشور استفاده کرد؟

ساختار پژوهش بدین صورت است که پس از مقدمه، پیشینه تحقیق مطرح شده و سپس ماهیت عقد مشارکت مدنی و برخی احکام فقهی آن مورد بحث قرار می‌گیرد. در ادامه چالش‌های کاربرد مشارکت مدنی در بانک‌های توسعه‌ای از منظر انطباق با شریعت مورد بحث قرار گرفته و بعد چالش‌های مذکور با استفاده از روش دلفی به تأیید خبرگان بانکداری اسلامی می‌رسد. قسمت بعدی تحقیق به ارائه الگوی استفاده از ابزار مباحثه پروژه‌ای به عنوان جایگزین عقد مشارکت مدنی در بانک‌های توسعه‌ای پرداخته و بخش پایانی نیز به نتیجه‌گیری، توصیه‌های سیاستی و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی اختصاص می‌یابد.

## ۲. پیشینه تحقیق

چالش‌های استفاده از عقود مشارکتی در شبکه بانکی، از جمله موضوعاتی است که قبلاً تحقیقات گوناگونی در رابطه با آن انجام شده است. در این قسمت به صورت مختصر به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

ذوالفقاری و دیگران (۱۳۹۹) ضمن بررسی چالش‌های استفاده از عقود مشارکتی، نقش حافظه سیستم در اجرای صحیح این عقود در نظام بانکداری اسلامی را مورد بحث قرار می‌دهند. یافته‌های این تحقیق با استفاده از چارچوب نظریه بازی‌ها نشان می‌دهد که وجود حافظه در نظام بانکداری اسلامی باعث می‌شود مشکل عدم تقارن اطلاعات در عقود مشارکتی به حداقل رسیده و تعادل در استفاده از این عقود برقرار گردد.

قلیچ (۱۳۹۵) به بررسی میزان انطباق قرارداد و عملیات مشارکت مدنی با موازین شریعت در نظام بانکی کشور می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که متن قرارداد مشارکت مدنی و شیوه اجرای آن در عمل، از حیث انطباق با شریعت، با ضعف‌هایی روبرو است. توصیه سیاستی این تحقیق استفاده از راهکارهایی همچون: اصلاح مفاد قرارداد، اختصاص استفاده از عقد مشارکت مدنی به بانک‌های تخصصی، تأسیس نهاد نظارت شرعی برون بانکی برای نظارت بر حسن اجرای این عقد و تقویت ابعاد نظارتی درون بانکی می‌باشد.

نظریور و ملاکریمی (۱۳۹۴) به ارزیابی میزان انطباق فرم یکنواخت قرارداد مشارکت مدنی (که توسط بانک مرکزی به شبکه بانکی ابلاغ شده) با قواعد عمومی و اختصاصی قراردادها در فقه اسلامی می‌پردازد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که متن قرارداد مذکور با چالش‌های مهمی مانند: مخالفت با مقتضای عقد، اکل مال به باطل و ربوی بودن شرط تضمین سود توسط تسهیلات‌گیرنده مواجه است.

حاجیان (۱۳۹۰) ضمن بررسی موانع و مشکلات اجرای عقود مشارکتی در نظام بانکی کشور تلاش می‌کند تا الگوی جدیدی جهت اجرای این دسته از عقود در شبکه بانکی ارائه دهد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که استفاده تمامی بانک‌های کشور از عقود مشارکتی سبب ایجاد مشکل در اجرای صحیح این عقود گردیده است. لذا توصیه می‌شود تسهیلات مشارکتی در هر حوزه اقتصادی صرفاً توسط بانک توسعه‌ای و تخصصی حوزه مرتبط پرداخت شود.

همان طور که ملاحظه می‌شود، تحقیقات گذشته به صورت کلی به تبیین چالش‌های اجرای عقود مشارکتی در شبکه بانکی کشور پرداخته‌اند. با این حال در پژوهش حاضر با انجام مطالعه میدانی، تلاش می‌شود تا چالش‌های عملیاتی بانک‌های توسعه‌ای در استفاده از عقد مشارکت مدنی مورد توجه قرار گرفته و نظرات خبرگان نیز در این رابطه دریافت شود. همچنین ابزار «مباحثه پروژه‌ای» به عنوان جایگزین عقد مشارکت مدنی پیشنهاد گردد. از این منظر تحقیق حاضر دارای نوآوری بوده و به لحاظ نظری به توسعه دانش بانکداری اسلامی و از منظر عملی به اجرای بهتر عقد مشارکت مدنی در شبکه بانکی کشور کمک می‌کند.

### ۳. ماهیت‌شناسی عقد مشارکت مدنی

به لحاظ فقهی، قرارداد مشارکت مدنی یکی از گونه‌های خاص عقد شرکت محسوب می‌شود که منظور از آن، قراردادی است بین دو یا چند نفر تا با مال مشترک بین آنها فعالیتی انجام شود؛ در نتیجه چنین قراردادی، تصرف در مال مشترک با هدف کسب سود جایز بوده و سود و زیان حاصل به تناسب سرمایه بین شرکا تقسیم می‌شود (موسوی خمینی، ۱۴۱۶ق، ج. ۲، ص. ۳۴).

با توجه به آنچه مطرح شد می‌توان قرارداد مشارکت مدنی بانکی را به این صورت تعریف کرد: «در آمیختن سهم‌الشرکه نقدی یا غیرنقدی شریک با سهم‌الشرکه نقدی یا غیرنقدی بانک به نحو مشاع برای انجام کاری معین در زمینه فعالیت‌های تولیدی، بازرگانی و خدماتی به مدت محدود به قصد انتفاع بر حسب قرارداد» (موسویان و میثمی، ۱۳۹۷، ص. ۲۵۳).

قرارداد مشارکت مدنی بانکی همانند سایر عقود مشارکتی (مانند مضاربه) دارای برخی ویژگی‌های مهم است که عبارت‌اند از:

الف- داشتن سود نامعین (انتظاری): به این معنا که بانک و متقاضی تسهیلات مشارکت مدنی بر اساس نرخ بازده (سود) نامعینی تصمیم به سرمایه‌گذاری می‌گیرند و قرارداد

منعقد می‌کنند، اما سود حقیقی در پایان دوره مالی معین می‌شود. البته چون همه قراردادهای بانک هم‌زمان به پایان نمی‌رسد، در هر مقطع تاریخی (معمولاً پایان سال مالی)، سود بانک از محل این قراردادها تقریبی خواهد بود.

ب- اذنی و غیرتملیکی بودن: با انعقاد قرارداد مشارکت مدنی منابع بانک در اختیار متقاضی تسهیلات قرار می‌گیرد و او حق دارد تنها در موضوع قرارداد، در آن منابع تصرف کند. لذا برخلاف عقود مبادله‌ای، در عقد مشارکت مدنی تملیک اتفاق نمی‌افتد و مشتری صرفاً حق تصرف در اموال مورد مشارکت را دارد.

پ- مشارکت بانک در پروژه و ضرورت نظارت: در قرارداد مشارکت مدنی، رابطه بانک با متقاضی تسهیلات رابطه شریک با شریک است؛ در نتیجه بانک علاوه بر احراز صحت اصل معامله، مسئولیت شرعی و قانونی دارد تا در مدت مشارکت، عملکرد متقاضی تسهیلات را مورد نظارت قرار دهد. این در حالی است که در قراردادهای مبادله‌ای، نظارت بر وقوع صحیح قرارداد توسط بانک کفایت می‌کند و بانک مسئولیت شرعی در مورد نظارت بر عملکرد و میزان موفقیت آتی متقاضی تسهیلات ندارد.

۴ چالش‌های کاربرد مشارکت مدنی در بانک‌های توسعه‌ای از منظر انطباق با شریعت به لحاظ تعریف «بانک توسعه‌ای»<sup>۱</sup>، مؤسسه‌ای ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی است که با هدف فراهم نمودن سرمایه یا تأمین منابع مالی میان‌مدت و بلندمدت برای فعالیت‌های مولد در راستای اهداف توسعه‌ای دولت تشکیل می‌شود. بانک‌های توسعه‌ای معمولاً از سپرده‌پذیری عمومی جهت تجهیز منابع استفاده نمی‌کنند و عمده منابع در اختیار آنها از محل سرمایه و وجوه دریافتی از دولت‌ها تأمین می‌شود (مادورا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴، ص. ۲۱۵).

در حال حاضر تعداد قابل توجهی بانک توسعه‌ای در سطح بین‌المللی و همچنین در کشورهای گوناگون به فعالیت مشغول هستند. برخی از مهم‌ترین بانک‌های توسعه‌ای

---

۱ Development Bank

۲ Madura



بین‌المللی عبارت‌اند از: بانک توسعه درون آمریکا<sup>۱</sup>، بانک توسعه آسیایی<sup>۲</sup>، بانک توسعه آفریقایی<sup>۳</sup> و بانک توسعه اسلامی<sup>۴</sup> (فبوزی و جونزه، ۲۰۱۹، ص. ۶۴).

بانک‌های توسعه‌ای در نظام پولی و بانکی کشور نیز حضور فعالی دارند. بر اساس اطلاعات درج شده بر روی تارنمای بانک مرکزی، بانک‌های دولتی تخصصی و توسعه‌ای در ایران شامل<sup>۵</sup> مورد می‌شود که عبارت‌اند از: بانک توسعه تعاون، بانک توسعه صادرات ایران، بانک صنعت و معدن، بانک مسکن و بانک کشاورزی<sup>۶</sup>.

به لحاظ عملیاتی، در اکثر بانک‌های توسعه‌ای کشور جهت اعطای تسهیلات از عقد مشارکت مدنی استفاده می‌شود. ویژگی اصلی این عقد سازگاری ماهیت آن با حوزه فعالیت بانک‌های توسعه‌ای است. در واقع، هدف بانک‌های توسعه تأمین مالی پروژه‌های متوسط و بزرگ اقتصادی است و عقد مشارکت مدنی از ظرفیت خوبی در این رابطه برخوردار است. همچنین، مشارکت مدنی به لحاظ حوزه شمول از گستردگی مناسبی برخوردار است و برخلاف عقود دیگر (مثلاً مضاربه که به حوزه تجارت اختصاص دارد) محدودیت خاصی نداشته و می‌تواند در تمامی حوزه‌های اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد.

با در نظر گرفتن نکات مطرح شده، هدف این قسمت استخراج چالش‌های کاربرد عقد مشارکت مدنی در بانک‌های توسعه‌ای کشور است. بر این اساس، یکی از بانک‌های توسعه‌ای کشور جهت مطالعه موردی (بررسی میدانی) انتخاب گردید و با استفاده از سه منبع ذیل، چالش‌های مرتبط در این بانک استخراج گردیدند. این سه منبع عبارت‌اند از:

۱ Inter-American Development Bank

۲ Asian Development Bank

۳ African Development Bank

۴ Islamic Development Bank

۵ Fabozzi and Jones

۶ جهت دریافت اطلاعات تکمیلی در مورد بانک‌های توسعه‌ای کشور، می‌توان به تارنمای بانک مرکزی به این آدرس مراجعه کرد: [www.cbi.ir](http://www.cbi.ir).

الف- مرور آثار تحقیقاتی و گزارش‌های علمی موجود (مطالعه کتابخانه‌ای)  
ب- بررسی ۲۳ پرونده مشارکت مدنی جاری مورد استفاده در بانک توسعه‌ای منتخب  
پ- مصاحبه شفاهی با ۷ نفر از مدیران و کارشناسان در بانک توسعه‌ای منتخب  
نکته مهم در این بررسی آن است که به نظر می‌رسد تفاوتی بین بانک‌های توسعه‌ای کشور از منظر ابعاد شرعی اجرای عقد مشارکت مدنی وجود نداشته باشد و لذا چالش‌هایی که در بانک منتخب استخراج می‌گردد، قابلیت تعمیم به کل بانک‌های توسعه‌ای کشور را دارد. به ویژه اینکه از منظر متن قرارداد مورد استفاده، همه بانک‌های کشور از فرم یکنواخت قرارداد مشارکت مدنی (ابلاغی توسط بانک مرکزی بر اساس مصوبه مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۶ شورای پول و اعتبار) استفاده می‌کنند و چارچوب حسابداری، محاسبه سود، وجه التزام و غیره نیز در چارچوب مقررات بانک مرکزی و تقریباً مشابه است.  
در بررسی میدانی انجام شده، در ابتدا با مشورت کارشناسان بانک منتخب (در معاونت نظارت) ۲۳ پرونده مشارکت مدنی به صورت تصادفی انتخاب شد (حدود ۱۰ درصد از کل پرونده‌های مشارکت مدنی جاری بانک) و سپس با حضور در بانک، نسبت به بررسی دقیق پرونده‌ها و فیش‌برداری اقدام گردید. لازم به ذکر است که در ۱۴ مورد از پرونده‌های مورد بررسی، قرارداد مشارکت با اتمام طرح و شروع بهره‌برداری، به پایان رسیده و بانک پس از بازه تنفس، وارد مرحله فروش اقساطی (واگذاری سهم بانک به مشتری) گردیده

بود؛ اما در ۹ مورد باقیمانده، پروژه‌های مبنای مشارکت به پایان نرسیده بود و مشارکت مدنی ادامه داشت.



شکل ۱: آسیب‌شناسی استفاده از عقد مشارکت مدنی در بانکداری توسعه‌ای

علاوه بر بررسی پرونده‌ها، جهت تقویت کیفیت بررسی، مصاحبه شفاهی با ۷ نفر از کارشناسان مرتبط در بانک در رابطه با محتوای پرونده‌ها و شیوه اجرای عقد مشارکت مدنی در عمل، انجام شد.

با توجه به آنچه مطرح شد، در ادامه به مهم‌ترین چالش‌های عملیاتی کاربرد عقد مشارکت مدنی در بانکداری توسعه‌ای کشور اشاره می‌شود. شیوه ارائه چالش‌ها بر اساس مسیر اجرای عقد مشارکت مدنی است که از ارزیابی فنی پروژه و بررسی شایستگی اعتباری مشتری آغاز شده و تا انتهای قرارداد و بهره‌برداری از طرح ادامه پیدا می‌کند (خلاص این چالش‌ها در شکل ۱ آمده است).

#### ۴-۱ ضعف در بررسی شایستگی اعتباری تسهیلات گیرنده و ارزیابی فنی پروژه

به نظر می‌رسد اولین و مهم‌ترین مرحله جهت اجرای عقد مشارکت مدنی به صورت واقعی، انتخاب صحیح پروژه‌های مبنای مشارکت توسط بانک است. در واقع، همانند مشارکت‌های واقعی افراد در سطح خرد که اشخاص حقیقی یا حقوقی جهت انتخاب شریک برای خود دقت بالایی به خرج می‌دهند، بانک نیز باید نسبت به بررسی دقیق شایستگی اعتباری تسهیلات گیرنده و ارزیابی فنی پروژه اقدام کند.

با این حال بررسی میدانی انجام شده در رابطه با بانک توسعه‌ای منتخب نشان می‌دهد فرآیند دریافت تسهیلات از بانک به این صورت است که ابتدا مشتری به شعبه مراجعه کرده و درخواست تسهیلات را ارائه می‌دهد. در ادامه مدیریت ارزیابی طرح‌ها، اسناد و مدارک (شامل رزومه مشتری و طرح توجیهی پروژه) را از مشتری دریافت نموده و شایستگی اعتباری مشتری و پروژه (و مناسب بودن وثایق) را مورد بررسی قرار دهد. معمولاً در این مرحله کارشناس بانک نسبت به انجام بازدید میدانی از محل پروژه اقدام می‌ورزد. ارزیابی شایستگی اعتباری مشتری شامل ارزیابی رزومه کاری، نداشتن چک برگشتی یا مطالبات معوق بوده و ارزیابی شایستگی اعتباری پروژه شامل بررسی «گزارش توجیهی طرح<sup>۱</sup>» و «گزارش توجیه‌پذیری فنی طرح<sup>۲</sup>» می‌گردد. گزارش توجیهی شامل ارزیابی شایستگی پروژه از منظر مالی (بررسی شاخص‌های مالی طرح، هزینه‌ها، درآمدها و غیره)، بازار (بررسی وجود تقاضا برای محصولات تولید شده) و فنی (بررسی هدف طرح، روش تولید، زمان‌بندی و غیره) می‌گردد؛ گزارش توجیه‌پذیری فنی هم شامل ارزیابی فناوری مورد استفاده، ظرفیت تولید، محل اجرای طرح، ماشین‌آلات و تجهیزات مورد استفاده، هزینه‌های سرمایه‌گذاری و تولید و ساختار اجرایی و مدیریتی طرح می‌شود.

---

۱ Feasibility Study Report

۲ Technical Feasibility

بر این اساس به نظر می‌رسد در بانک مورد بررسی، اساساً اعتبارسنجی مشتری و ارزیابی فنی پروژه با دید انجام شراکت واقعی (با رعایت ضوابط شریعت از جمله مشارکت در زیان) بین بانک و مشتری صورت نمی‌پذیرد؛ بلکه هدف از این بررسی حداقلی، تضمین بازگشت اصل منابع بانک به همراه سود مورد انتظار است. این در حالی است که اگر بانک به صورت واقعی قصد انجام مشارکت در سود و زیان با مشتری را داشت، طبعاً باید سطح کارشناسی بانک متناسب با این موضوع ارتقاء پیدا می‌کرد و اعتبارسنجی مشتری و بررسی فنی پروژه با دقت بیشتری صورت می‌پذیرفت. به عبارت دیگر، ریسک‌های پیش روی پروژه و احتمال ایجاد زیان با دقت بیشتری مورد بررسی کارشناسی و فنی بانک قرار می‌گرفت.

#### ۴-۲ تفهیم نامناسب ماهیت قرارداد به تسهیلات‌گیرنده

مسئله دیگر در اجرای واقعی مشارکت مدنی، تفهیم ماهیت شراکتی قرارداد به مشتری است. در واقع مشارکت واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که هم بانک و هم تسهیلات‌گیرنده حقیقتاً نیت و قصد شراکت با یکدیگر داشته باشند؛ چرا که به لحاظ فقهی نیت و قصد یکی از ارکان اصلی قراردادها محسوب می‌شود (نظرپور و ملاکریمی، ۱۳۹۷، ص. ۵۴). با این حال بررسی میدانی انجام شده نشان می‌دهد اساساً مشتری با نیت مشارکت واقعی در این قرارداد وارد نشده و کارشناسان بانک نیز خود را ملزم به ارائه توضیحات مرتبط و تفهیم مشتری در رابطه با ارکان اصلی قرارداد مشارکت مدنی (شامل مواردی چون: سرمایه مشارکت، سهم‌الشرکه، شیوه تقسیم سود، شیوه خاتمه قرارداد و استراتژی خروج بانک، جریمه تأخیر و غیره) نمی‌دانند.

فرآیند امضای قرارداد در بانک توسعه‌ای منتخب بدین صورت است که پس از اتمام فعالیت اداره نظارت، موارد اساسی که باید در متن قرارداد حقوقی با مشتری در نظر گرفته شود، از این اداره به واحد قراردادها (ذیل مدیریت امور حقوقی) ارسال می‌شود و این واحد نسبت به تدوین متن قرارداد اقدام می‌کند. در این مرحله صرفاً به سؤالات

مشتری که معمولاً در مورد مبلغ و مدت قرارداد است توضیح پاسخ داده می‌شود و معمولاً توضیح خاصی در رابطه با ابعاد شرعی قرارداد ارائه نمی‌شود. همچنین، الزامی در رابطه با تحویل پیش‌نویس قرارداد به مشتری پیش از امضا وجود نداشته و متن قرارداد نیز به لحاظ نگارشی بسیار ریز بوده و تفاوتی بین مواد اصلی و فرعی قرارداد در نظر گرفته نمی‌شود؛ عبارت‌های تخصصی فقهی و حقوقی متعددی نیز در متن قرارداد وجود دارد که توضیح مناسبی در رابطه با آنها به مشتری ارائه نمی‌گردد.

بر اساس این، به نظر می‌رسد در بانک مورد بررسی تفهیم تسهیلات‌گیرنده به شیوه صحیح اتفاق نمی‌افتد و متقابلاً مشتری نیز صرفاً نیت دریافت تأمین مالی با نرخ سود ثابت و از پیش تعیین شده را دارد و به هیچ عنوان بانک را شریک خود در سود و زیان در نظر نمی‌گیرد. به عنوان مثال، اگر تسهیلات‌گیرنده بانک را حقیقتاً شریک خود در نظر می‌گرفت، طبعاً بانک در افزایش قیمت ناشی از زمین یا ماشین‌آلات نیز شریک می‌گردید و در صورت زیان، نیز بخشی از خسارت را برعهده می‌گرفت. در حالی که در پرونده‌های مورد بررسی (و بر اساس مصاحبه‌های شفاهی انجام شده) چنین مسئله‌ای اساساً وجود ندارد و مشتری صرفاً بانک را به اندازه اصل تسهیلات و سود در پروژه سهام می‌داند و از ابتدا بر همین مبنا توجیه شده است.

#### ۴-۳ دریافت وثیقه از مشتری در رابطه با اصل، سود، وجه التزام و غیره

بر خلاف عقود مبادله‌ای، ماهیت و ذات عقود مشارکت مبنی بر شراکت بانک و تسهیلات‌گیرنده شکل می‌گیرد و لذا مشتری با امضای قرارداد، اساساً به بانک بدهکار نمی‌گردد که بانک جهت تضمین بازپرداخت بدهی، نسبت به دریافت وثیقه از مشتری اقدام کند. زیرا هر یک از طرفین شرکت، مالک سهم‌الشرکه خود از مال‌الشرکه می‌باشند و هیچ کدام در قبال دیگری دینی ندارند تا امکان دریافت رهن و تضمین مهیا شود. سهم‌الشرکه مشتری به صورت نقدی به حساب مشترک مشارکت واریز می‌شود و

سهم‌الشرکه بانک نیز تسهیلات پرداختی بوده که به صورت مرحله‌ای به حساب مشترک واریز می‌شود.

به لحاظ فقهی نیز دریافت رهن مشروط به وجود بدهی قبلی است؛ در حالی که در عقد مشارکت مدنی این بدهی وجود ندارد. البته برخی از محققین قرارداد وثیقه را به عنوان عقدی جدید و متفاوت از عقد رهن فقهی و در ذیل ماده ۱۰ قانون مدنی (اصل آزادی قراردادها) توجیه کرده‌اند (السان، ۱۳۸۹، ص. ۲۱).

در عمده بانک‌های اسلامی سایر کشورها و در استانداردهای بین‌المللی بانکداری اسلامی (مانند استانداردهای سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی (آوofi<sup>۱</sup>)) نیز معمولاً مسئله ممنوعیت دریافت وثیقه کلی و عمومی در عقد مشارکت در رابطه با بازپرداخت اصل، سود و جرایم مورد تأکید قرار می‌گیرد. به طور مشخص، بانک اسلامی صرفاً می‌تواند تسهیلات‌گیرنده را ملزم به ارائه وثیقه جهت «حسن انجام کار» نماید؛ اما این الزام از یک طرف صرفاً در رابطه با اصل منابع بانک می‌باشد (و نه سودی که تحقق آن احتمالی است و یا خسارت و جریمه) و از سوی دیگر صرفاً در موارد سوءمدیریت، اهمال یا تخطی مشتری از مفاد قرارداد قابل دریافت است و نه به صورت کلی. لذا اگر مشتری ثابت کند که پروژه مبنای مشارکت حقیقتاً با زیان مواجه شده و سوءمدیریتی در کار نبوده، بانک اسلامی نمی‌تواند نسبت به اجرای وثایق اقدام ورزد (آوofi<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷، ص. ۳۲).

با این حال بررسی متن قراردادهای مشارکت مدنی امضا شده در بانک مورد بررسی نشان می‌دهد که از تمامی مشتریان وثایق متعدد جهت بازپرداخت کلیه مطالبات بانک (شامل اصل تسهیلات، سود متعلقه، وجه التزام، جریمه، خسارت و غیره) دریافت می‌شود. موارد رهن ذکر شده در قراردادهای مشارکت مدنی معمولاً عبارت‌اند از: اخذ قائم مقامی بانک بر زمین محل اجرای طرح؛ ترهین ساختمان‌ها، کلیه مستحقات عمرانی و زیربنایی،

1 The Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions

2 AAOIFI

ماشین آیات، تجهیزات تولید، تأسیسات فنی، زیرساخت کارخانه مورد نظر و غیره (موجود در محل اجرای طرح) و هر آنچه که در آینده در اثر اجرا، راه‌اندازی و بهره‌برداری از پروژه به وجود آید. در برخی موارد وثیقه تکمیلی (شامل اسناد ملکی مرغوب شهری) نیز دریافت می‌شود.

همچنین در پرونده‌های متعددی مشاهده گردید که بانک به دلایل مختلف در واریز تسهیلات مرحله‌ای (سهم‌الشرکه بانک) تأخیر نموده که این سبب ایجاد تأخیر کلی در اجرای پروژه شده است. اما با این حال بابت تأخیر ایجاد شده، وجه التزام برای مشتری محاسبه شده و وثایق دریافتی شامل این موارد نیز گردیده است.<sup>۱</sup>

علاوه بر این، در برخی قراردادهای منعقد شده مشاهده گردید که بندی در قرارداد اضافه شده و بر اساس آن بانک مبلغ ناچیزی (مثلاً یک صد هزار ریال) تحت عنوان قرض یا صلح به مشتری تملیک می‌کند تا از این مسیر بدهی شکل گرفته و مشکل فقهی-حقوقی در زمینه دریافت رهن بدون وجود بدهی، برطرف گردد. با این حال واضح است که دریافت میلیاردها تومان وثیقه در مقابل مبلغی بسیار اندک بدهی، عملاً نشان‌دهنده واقعی نبودن مفهوم وثیقه بوده و قرارداد مشارکت را از ماهیت حقیقی خود دور می‌کند.

۴-۴ تضمین بازپرداخت اصل و سود (تبدیل نرخ سود مورد انتظار به نرخ تسویه)  
یکی دیگر از مهم‌ترین چالش‌های اجرای واقعی عقد مشارکت مدنی، تضمین بازپرداخت اصل، سود، وجه التزام و غیره توسط مشتری است که در قراردادهای بانکی مورد تأکید قرار می‌گیرد. این موضوع قبلاً به کرات از سوی محققین گوناگون به عنوان یکی از شبهات شرعی اصلی در رابطه با عقد مشارکت مدنی مطرح شده است (قلیچ، ۱۳۹۵، ص. ۱۰؛ ملاکریمی و راغبی، ۱۳۹۸، ص. ۱۷).

۱ لازم به ذکر است که سررسید قراردادهای مشارکت مدنی در بانک مورد بررسی معمولاً ۱۸ تا ۶۰ ماه بوده و در عمده موارد سررسید قرارداد چندین نوبت تمدید گردیده است.



در این رابطه بررسی میدانی انجام شده نشان می‌دهد در تمامی پرونده‌های مورد بررسی در بانک منتخب، در متن قرارداد ماده مشخصی قرار می‌گیرد که بر اساس آن مشتری نسبت به بازپرداخت اصل، سود و وجه التزام ضامن می‌گردد. البته این ماده دقیقاً بر اساس فرم یکنواخت عقد مشارکت مدنی ابلاغی از طرف بانک مرکزی به شبکه بانکی (موضوع بخشنامه مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۱) تدوین می‌شود.<sup>۱</sup> متن این ماده بیان می‌دارد: «شریک (تسهیلات‌گیرنده) با امضای این قرارداد متعهد گردید مدیریت منابع و مصارف موضوع مشارکت را به نحوی به انجام رساند که در پایان دوره مشارکت، سهم‌الشرکه متعلقه بانک به علاوه سود ابرازی موضوع مشارکت، به حساب بانک منظور گردد. در غیر این صورت، شریک ملتزم و متعهد گردید سهم‌الشرکه متعلقه بانک به علاوه سود ابرازی موضوع مشارکت و ضرر و زیان وارده به بانک را صلح و تبرعاً از اموال خود تأمین و پرداخت نماید». بر اساس این ماده مشتری ضامن بازپرداخت اصل تسهیلات بانک، سود مورد انتظار و وجه التزام می‌باشد. جالب اینکه حتی بر روی سود مورد انتظار پرداخت نشده نیز در سامانه‌های نرم‌افزاری بانک وجه التزام محاسبه شده و جزو مانده بدهی مشتری قرار می‌گیرد.

در تحلیل فقهی این موضوع دو دیدگاه قابل ارائه است. عمده فقهای عضو شورای فقهی بانک مرکزی و محققین بانکداری اسلامی معتقد به وجود اشکال در این مسئله هستند. این گروه از محققین معتقدند در عقد مشارکت مدنی صرفاً می‌توان مشتری را نسبت به اصل تسهیلات دریافتی ضامن در نظر گرفت و لذا تضمین سود مورد انتظار و وجه التزام، خلاف ماهیت، ذات یا مطلق عقد مشارکت مدنی بوده و باطل است. حتی ایجاد این ضمانت در قالب حقوقی صلح (به تعبیر بانکی عقد خارج لازم) نیز امکان‌پذیر نبوده و شبهه صلح ربوی در اینجا مطرح می‌گردد (مصباحی‌مقدم و نعمتی، ۱۳۹۷، ص. ۱۶؛ نظریور و ملاکریمی، ۱۳۹۷، ص. ۸۸).

۱ جهت دریافت متن کامل بخشنامه مذکور می‌توان به تارنمای بانک مرکزی به این آدرس مراجعه کرد:

در مقابل گروهی دیگر از فقها و به طور خاص فقهای عضو شورای نگهبان، معتقد به صحت ماده مذکور (تضمین سود در عقد مشارکت مدنی) هستند. مدافعان این دیدگاه معتقدند که اولاً ماهیت، ذات و مُطلق عقد شرکت صرفاً مشارکت طرفین با یکدیگر در سود است و بقیه مسائل مانند ضامن نمودن یک طرف در رابطه با اصل یا سود، ارتباطی با ماهیت شرکت ندارد و صرفاً اطلاق آن را کم می‌کند. ثانیاً، در متن قرارداد مورد بحث تضمین سود به صورت شرط ضمن عقد مشارکت مطرح نشده تا شبهه ناسازگاری با ماهیت و ذات عقد ایجاد شود؛ بلکه صراحتاً تأکید شده که ضمانت مشتری در قالب حقوقی صلح و به صورت شرط ضمن عقد دریافت می‌شود. بر این اساس در چارچوب «قاعده شرط» در فقه اسلامی (نظرپور و ملاکریمی، ۱۳۹۶، ص. ۸) و اینکه شرط می‌تواند به تنهایی سبب تملیک و انتقال باشد، طرفین می‌توانند در رابطه با تضمین سود با یکدیگر توافق کنند و این منافاتی با ماهیت عقد مشارکت مدنی ندارد.

در نهایت نباید تصور کرد که شرط تضمین سود سبب صوری شدن قرارداد می‌گردد؛ زیرا هر چند به لحاظ عرفی این برداشت وجود دارد که هر نوع اشکالی در قراردادهای اسلامی سبب صوری شدن آنها می‌گردد، اما به لحاظ فقهی قرارداد مشارکت مدنی صرفاً زمانی صوری و ربوی می‌گردد که هیچ پروژه یا طرحی برای مشارکت بانک و مشتری اساساً وجود نداشته باشد؛ اما در شرایطی که پروژه وجود دارد و مشارکت بین طرفین به صورت حقیقی اتفاق می‌افتد، اما صرفاً مشتری با شرط ضمن عقد (در قالب حقوقی صلح) تضمین سود را برعهده می‌گیرد، نمی‌توان این قرارداد را صوری در نظر گرفت.

همان طور که ذکر شد، فقهای عضو شورای نگهبان قانون اساسی مدافع دیدگاه دوم هستند و در شبکه بانکی این دیدگاه مبنای عمل می‌باشد. در این رابطه نظر فقهی شورای نگهبان در پاسخ به استعلام دیوان عدالت اداری در رابطه با پرونده‌ای خاص، ارائه شده است. در این پرونده دو شخص حقیقی ضمن ارائه دادخواستی به دیوان عدالت اداری درخواست ابطال مواد ۸ و ۱۱ فرم یکنواخت قرارداد مشارکت مدنی (موضوع بخشنامه

مورخ (۱۳۹۲/۷/۱۱) بانک مرکزی را مطرح کرده‌اند و دلیل درخواست مذکور ناسازگاری این دو ماده با آیات ۴۲ و ۲۷۵ سوره بقره و قاعده فقهی «هر کس از مالی بهره می‌برد، خسارت هم بر عهده اوست»<sup>۱</sup> است.

در پاسخ به این استعلام ابتدا در تاریخ ۱۳۹۶/۶/۸ نظر مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان اعلام شده که بیان می‌دارد: «چون امور مذکور در ماده ۸ و ۱۱ قرارداد مشارکت مدنی در واقع شرط ضمن‌العقدی است که شریک (تسهیلات‌گیرنده) بدان ملزم می‌شود و مفاد آن خلاف کتاب و سنت نیست، شرطی جایز و لازم‌الوفاء بوده و مفاد آن و التزام به انجامش خلاف شرع و قانون اساسی نیست». در نهایت پاسخ شورای نگهبان به دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۶/۲۵ اعلام شده که بیان می‌دارد: «نظر به اینکه امور مذکور در دو ماده مورد شکایت شرط ضمن‌العقد بوده که شریک به آنها متعهد گردیده است، فلذا خلاف موازین شرع تشخیص داده نشد»<sup>۲</sup>.

با در نظر گرفتن تحلیل‌های ارائه شده می‌توان جمع‌بندی بحث را این طور ارائه کرد که هر چند مشروعیت تضمین سود در عقد مشارکت مدنی به لحاظ فقهی مورد اختلاف است، اما به صورت کلی می‌توان این نکته را مورد تأکید قرار داد که عرف دیگر چنین قراردادی را مشارکت نمی‌داند. به عبارت دیگر، از منظر عامه مردم عقد مشارکتی که بر اساس آن مشتری ضامن اصل، سود و وجه التزام گردیده، مشارکتی واقعی به حساب نمی‌آید و در واقع یک قرارداد تأمین مالی با نرخ سود ثابت و از پیش تعیین شده است که صرفاً اسم مشارکت را به همراه دارد.

۱ «من له الغنم فعليه الغرم».

۲ جهت دریافت متن کامل نظر شورای نگهبان در این رابطه می‌توان به تارنمای این شورا به این آدرس مراجعه کرد:

#### ۴-۵ قیمت‌گذاری پروژه صرفاً بر اساس سود مورد انتظار

قیمت‌گذاری پروژه مبنای مشارکت، از دیگر چالش‌های اجرای عقد مشارکت مدنی محسوب می‌شود. توضیح آنکه به صورت طبیعی زمانی که دو شخص حقیقی یا حقوقی در خارج از شبکه بانکی با یکدیگر شریک می‌شوند، جهت محاسبه سهم هر کدام از شرکا از سود، قیمت‌گذاری پروژه به صورت دوره‌ای و یا در انتهای کار، توسط کارشناس مورد توافق طرفین انجام می‌شود. بر این اساس، به نظر می‌رسد اقتضای اجرای صحیح و واقعی مشارکت مدنی، تعیین صحیح شیوه قیمت‌گذاری پروژه مبنای مشارکت است.

با این حال بررسی میدانی انجام در بانک منتخب نشان می‌دهد که در تمامی پرونده‌های مشارکت مدنی، نرخ سود مورد انتظار همان نرخ تسویه محسوب شده است. در واقع تنظیمات قیمت‌گذاری پروژه در محاسبات نرم‌افزاری بانک به نحوی انجام می‌شود که نرخ سود مورد انتظار برای بانک به دست آید. بر این اساس، هیچگونه سازوکار مورد توافقی با مشتری جهت قیمت‌گذاری پروژه به صورت دوره‌ای یا در انتهای کار پیش‌بینی نشده و مبنای محاسبات صرفاً نرخ سود مورد انتظار است. این در حالی است که لحاظ آمار و ریاضی، تفاوت نرخ سود قطعی و نرخ سود مورد انتظار متغیری تصادفی محسوب می‌شود که احتمال صفر بودن آن، تقریباً صفر است (بدری، ۱۳۹۵، ص. ۲۶)؛ اما در تمامی پروژه‌های بانک، این تفاوت صفر منظور شده است.

این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که سیستم نرم‌افزاری و حسابداری بانک به نحوی تنظیم شده که صرفاً بازپرداخت اصل و سود مورد انتظار را تضمین کند و در این چارچوب طبعاً قیمت‌گذاری پروژه توسط کارشناس مورد توافق بانک و مشتری، موضوعیتی نخواهد داشت. بنابراین به نظر می‌رسد بانک و مشتری قبل از آغاز پروژه و امضای قرارداد مشارکت مدنی، به صورت ضمنی در مورد قیمت‌گذاری پروژه (و میزان

سود قطعی) توافق کرده‌اند و این موضوع می‌تواند اماره‌ای در رابطه با واقعی نبودن شراکت بین بانک و مشتری محسوب شود.

#### ۴-۶ مشارکت نکردن بانک در زیان

به صورت طبیعی اقتضای اولیه و اصلی مشارکت، شریک شدن طرفین در سود و همچنین زیان (از بین رفتن اصل سرمایه) است. در واقع هر فعالیت اقتصادی احتمال دارد با زیان مواجه شود و به مقتضای عقد شرکت، طرفین مشارکت در این زیان شریک خواهند بود. البته همان طور که قبلاً ذکر شد، به لحاظ فقهی طرفین می‌توانند توافق کنند که زیان توسط یکی از شرکاء تقبل گردد (موسوی خمینی، ۱۶۱۶ق، ج. ۲، ص. ۲۵)، اما چنین شروطی قرارداد مشارکت را از ذات طبیعی و عرفی خود دور می‌کند.

همان‌طور که قبلاً ذکر گردید، در بانک مورد بررسی در تمامی قراردادهای تسهیلاتی مورد بررسی، مشتری نسبت به تحمل زیان موظف گردیده و بانک هیچگونه وظیفه‌ای نسبت به پوشش زیان برای خود در نظر نمی‌گیرد. حتی در مواردی که ایجاد زیان ناشی از قوه قاهره و عواملی مانند تحریم باشد که مشتری در آن هیچگونه قصور یا تقصیری ندارد، باز هم بانک هیچ بخشی از زیان پروژه را برعهده نمی‌گیرد. این در حالی است که در بانک‌های اسلامی سایر کشورها هر چند استفاده از عقد مشارکت بسیار محدود است (و به موارد خاص و استثنائی که بانک از سوددهی پروژه اطمینان بالایی دارد، اختصاص دارد) اما در این موارد اگر مشتری ثابت کند که پروژه حقیقتاً با زیان مواجه شده و این زیان به دلیل قصور یا تقصیر مشتری نبوده، بانک اسلامی در زیان مشارکت خواهد کرد. این مسئله در استناداردهای بین‌المللی بانکداری اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته است (زبیر، ۲۰۱۴، ص. ۳۳).

نکته مهم در اینجا آن است که پذیرش زیان توسط بانک، نیازمند اعتماد بانک به ادعاهای مشتری است که به دلیل وجود مسئله «اطلاعات نامتقارن<sup>۱</sup>» و «مخاطره اخلاقی<sup>۲</sup>» در شرایط عادی امکان‌پذیر نمی‌باشد. به ویژه اینکه متأسفانه در کشور اکثر شرکت‌ها دارای چندین دفتر حسابداری هستند (شامل دفتر واقعی، دفتر تهیه شده برای ارائه به شبکه بانکی و دفتر تهیه شده برای ارائه به سازمان امور مالیاتی) و همین سبب می‌شود که بانک نتواند به این اطلاعات بعضاً غیرواقعی و صورت‌حساب‌های جعلی اطمینان کند. البته اگر بانک به صورت مستقیم بر پروژه نظارت داشته باشد و یا مانند تجربه برخی از بانک‌های اسلامی بین‌المللی (مانند بانک توسعه اسلامی) در طول دوره اجرای پروژه نماینده بانک در هیئت مدیره شرکت مجری پروژه حضور داشته باشد (اقبال و میرآخور<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱، ص. ۷۵) این مشکل به صورت درون‌زا برطرف می‌گردد.

#### ۴-۷ نظارت ناکافی بر اجرا و خاتمه پروژه

یکی دیگر از ویژگی‌های اجرای صحیح و شرعی عقد شرکت، نظارت مستمر بانک بر پروژه است؛ زیرا اگر بانک حقیقتاً با نیت مشارکت وارد قرارداد با مشتری شده باشد، طبعاً در طول دوره پروژه (همانند شراکت‌های رایج بین اشخاص در سطح خرد) در مورد اجرای صحیح پروژه نگرانی خواهد داشت و همین ضرورت نظارت مستمر و دقیق بانک را مطرح می‌سازد. این نظارت طبعاً شامل دو مرحله یعنی نظارت بر اجرا و نظارت بر خاتمه پروژه (فروش سهم‌الشرکه بانک به مشتری) می‌گردد.

فرآیند نظارت بر اجرای قرارداد مشارکت مدنی در بانک توسعه‌ای منتخب بدین صورت است که در رابطه با هر پروژه یک کارشناس داخلی و یک شرکت مشاور بیرونی (مورد تأیید بانک) وظیفه انجام نظارت بر اجرای پروژه در طول دوره مشارکت مدنی را برعهده می‌گیرند. البته مسئولیت اصلی تأیید پروژه در تمامی مراحل بر عهده کارشناس بانک

۱ Asymmetric Information

۲ Moral Hazard

۳ Iqbal and Mirakhor

است و شرکت مشاور، نظر مشورتی خود را در اختیار کارشناس قرار می‌دهد. پرداخت‌های مشتری نیز معمولاً به صورت مرحله‌ای و پس از تأیید کارشناس صورت می‌پذیرد. کارشناسان معمولاً بازدید میدانی از پروژه در بازه‌های سه ماهه انجام می‌دهند. شرکت‌های مشاوره‌ای، وظیفه نظارت و کنترل پروژه را بر عهده داشته و موظف هستند هر ماه (ضمن بازدید از محل پروژه) گزارش‌های کنترل پیشرفت پروژه را تهیه و در اختیار کارشناس داخلی قرار دهند.

بررسی انجام شده نشان می‌دهد علیرغم تعیین ناظر داخلی و ناظر بیرونی توسط بانک در رابطه با هر پروژه مشارکت مدنی، اما همچنان این نظارت به شیوه صحیح و شرعی انجام نمی‌شود. چرا که مستندات پرونده‌ها و مصاحبه‌های انجام شده به خوبی نشان می‌دهد که هدف از نظارت داخلی و بیرونی صرفاً تضمین بازپرداخت منابع بانک به همراه سود و نظارت خاصی در رابطه با اجرای ضوابط شریعت در عقد مشارکت مدنی وجود ندارد. به عنوان مثال، موارد متعددی در پرونده‌ها مشاهده می‌شود که در قرارداد بر نقدی بودن آورده مشتری در مشارکت تأکید شده، اما مشتری منابع نقد برای این کار در اختیار نداشته و کارشناس بانک از این مسئله چشم‌پوشی می‌کند.

مسئله نظارت بر شرعی بودن اجرای قرارداد مشارکت در مرحله خاتمه قرارداد از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این مرحله کارشناس بانک وظیفه دارد تضمین کند پروژه به شیوه‌ای شرعی خاتمه می‌یابد و یا به صورت صحیح تمدید می‌شود. همچنین، نظارت در این مرحله شامل نظارت بر آزادسازی وثیقه نیز می‌گردد.

فرآیند کار در بانک مورد بررسی بدین صورت است که قراردادهای مشارکت مدنی در پایان به فروش اقساطی تبدیل می‌شوند و بانک سهم‌الشرکه خود را به مشتری می‌فروشد. با این حال عمده قراردادهای نیاز به تمدید پیدا می‌کنند و تمدید قرارداد مشارکت به لحاظ شرعی وقتی معنی دارد که پروژه ادامه داشته باشد و اگر پروژه خاتمه یافته یا متوقف شده باشد، تمدید آن به لحاظ شرعی قابل پذیرش نیست. چرا که تمدید قرارداد مشارکت

مدنی در شرایطی که موضوع مشارکت از بین رفته و پروژه متوقف شده است، عملاً به معنی تمدید بدهی با نرخ سود است که «ربای جاهلی» (افزایش مبلغ بدهی در مقابل افزایش زمان بازپرداخت بوده) و به لحاظ شرعی مجاز نیست (موسویان و میثمی، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۷).

بررسی میدانی انجام شده به خوبی نشان می‌دهد که نظارت خاصی از طرف کارشناس داخلی و شرکت مشاور بانک جهت تضمین ادامه‌دار بودن پروژه پیش از تمدید اعمال نمی‌شود. لذا موارد متعددی وجود دارد که پروژه عملاً متوقف شده و هیچگونه پیشرفتی ندارد، اما بانک دو یا سه مرتبه نسبت به تمدید قرارداد مشارکت مدنی با مشتری اقدام نموده است. دلیل این مسئله آن است که تمدید قرارداد به نفع بانک بوده و سبب می‌گردد تسهیلات در سرفصل جاری قرار گیرد و نه سرفصل غیرجاری (شامل: مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول). همچنین، تمدید با لحاظ نرخ سود انجام می‌شود و لذا مطالبات بانک در طول دوره تمدید افزایش پیدا می‌کند. همچنین مشتری نیز ممکن است از این موضوع منتفع شده و از بدحساب شدن و کاهش اعتبار وی نزد بانک و شبکه بانکی جلوگیری شود. اما با وجود انگیزه برای طرفین جهت تمدید پروژه در شرایطی که متوقف شده و پیشرفتی ندارد، اما این کار به صورت جدی با شبهه ربا مواجه است.

#### ۴-۸ محاسبه سود به صورت تعهدی

همان طور که قبلاً ذکر شد، در عقود مشارکتی بر خلاف عقود مبادله‌ای، همزمان با امضای قرارداد بدهی شکل نگرفته و مشتری بدهکار بانک محسوب نمی‌شود؛ بلکه مشتری و بانک با یکدیگر شریک می‌شوند و مشتری اجازه تصرف در حساب مشترک مشارکت که آورده نقدی مشتری و سهم‌الشرکه بانک (تسهیلات) به این حساب واریز می‌شود، را پیدا می‌کند.



علیرغم آنچه مطرح شد در شبکه بانکی کشور و در چارچوب مقررات بانک مرکزی، حسابداری عقد مشارکت مدنی و شناسایی سود در این عقد بر اساس روش تعهدی انجام می‌شود. در حالی که به نظر می‌رسد استفاده از روش تعهدی در حسابداری عقود مشارکتی چندان با ماهیت شراکتی این عقود سازگاری نداشته و در بسیاری از بانک‌های اسلامی سایر کشورها نیز از روش نقدی برای حسابداری عقود مشارکتی استفاده می‌شود (زبیر، ۲۰۱۴، ص. ۱۹).

توضیح آنکه در روش تعهدی لزومی وجود ندارد که برای شناسایی درآمد، نقدینگی از سمت مشتری به بانک وارد شود تا بانک آن را به‌عنوان درآمد در دفاتر خود به ثبت برساند؛ بلکه بانک بر اساس قرارداد، به صورت دوره‌ای سود شناسایی می‌کند. سود شناسایی شده نیز ارتباطی به اینکه آیا مشتری پرداختی به بانک داشته یا خیر، ندارد (بدری، ۱۳۹۵، ص. ۱۸).

بررسی فرآیند حسابداری عقد مشارکت مدنی در بانک توسعه‌ای مورد بررسی به خوبی نشان می‌دهد که پس از امضای قرارداد با مشتری، در هر دوره مالی نسبت به شناسایی سود تعهدی برای تسهیلات پرداخت شده (با توجه به نرخ سود مورد انتظار) اقدام می‌شود و در پایان دوره تسهیلات نیز سود تعهدی شناسایی شده هیچگونه تغییری نمی‌کند. مثلاً اگر دوره مشارکت مدنی سه سال به طول بیانجامد تا در نهایت سهم‌الشرکه بانک به صورت اقساطی به مشتری فروخته شود، بانک هر سال نسبت به شناسایی سود تعهدی اقدام می‌کند. کلیه محاسبات نیز به صورت سیستمی انجام شده و در رابطه با تمامی پروژه‌ها به صورت یکسان و دقیقاً بر اساس نرخ سود مورد انتظار انجام می‌شود. حتی اگر پروژه مبنای مشارکت کاملاً متوقف شده و هیچگونه جریان نقدی نداشته باشد، اما سررسید قرارداد تمدید گردد، باز هم در سیستم حسابداری بانک سود تعهدی شناسایی و به عنوان بدهی مشتری منظور می‌گردد.

بنابراین به نظر می‌رسد روش فعلی شناسایی سود به روش تعهدی در سیستم نرم‌افزاری بانک و اینکه سود تعهدی از زمان انعقاد قرارداد به عنوان بدهی مشتری منظور شده و در پایان قرارداد نیز مبنای تسویه قرار می‌گیرد، با ماهیت مشارکتی این عقد و انتظاری بود سود، سازگاری بالایی ندارد.

#### ۴-۹ شناسایی سود تعهدی در دوره اجرای پروژه

آخرین چالش دارای اهمیت در اجرای عقد مشارکت مدنی (که به چالش قبلی مرتبط بوده ولی موضوعی مستقل محسوب می‌شود) شناسایی سود در دوره اجرای پروژه است. توضیح آنکه به صورت طبیعی اجرای هر پروژه اقتصادی دارای مرحله اجرای پروژه و مرحله بهره‌برداری است. طبعاً در طول دوره اجرای پروژه، سود شکل نمی‌گیرد که بخشی از آن بخواهد به عنوان سهم بانک محاسبه گردد.

با این حال بررسی فرآیند حسابداری عقد مشارکت مدنی در بانک توسعه‌ای منتخب به خوبی نشان می‌دهد که بانک از زمان انعقاد قرارداد نسبت به شناسایی سود تعهدی برای مشتری اقدام می‌کند. در واقع، تسهیلات به صورت مرحله‌ای و متناسب با پیشرفت پروژه به حساب مشترک مشارکت واریز می‌شود و دقیقاً از زمان پرداخت هر مرحله نیز بانک بر روی مبالغ پرداختی سود شناسایی می‌کند. البته در طول دوره اجرا مشتری بازپرداختی به بانک ندارد، اما محاسبات مذکور در دوره بازپرداخت اقساطی مبنای عمل قرار می‌گیرد. در اینجا مسئله‌ای که وجود دارد آن است که عمده قراردادهای بانک معمولاً حداقل یک مرتبه تمدید می‌شوند و همین باعث می‌شود سودی که مشتری باید بابت دوره اجرا بپردازد، افزایش یابد. حتی در برخی موارد پروژه‌ها به دلایلی خارج از توان مشتری مثلاً تحریم‌های بین‌المللی و یا ناتوانی بانک جهت واریز سهم‌الشرکه مرحله‌ای با تأخیر مواجه می‌شود که در این موارد هم در سیستم بانک برای پروژه سود تعهدی شناسایی شده و به عنوان بدهی مشتری منظور می‌گردد. به طور خاص در پرونده‌های مورد بررسی یک

نمونه وجود داشت که دوره مشارکت حدود ده سال طول کشیده و در کل این مدت بانک نسبت به شناسایی سود تعهدی اقدام نموده بود. همین مسئله سبب افزایش قابل توجهی بدهی مشتری گردیده بود.

در کل به نظر می‌رسد منطق طبیعی عقد مشارکت مدنی آن است که محاسبه سود پس از مرحله بهره‌برداری که پروژه به سوددهی رسیده انجام شود و لذا اینکه بانک در دوره اجرای پروژه مبنای مشارکت مدنی نسبت به شناسایی سود اقدام می‌کند چندان با ماهیت عقد مشارکت مدنی سازگاری ندارد.

#### ۵. تحلیل دیدگاه منتخب پژوهش بر اساس نظر خبرگان

یافته‌های قسمت قبل که بر اساس مطالعه موردی پرونده‌های مشارکت مدنی در بانک توسعه‌ای منتخب و مصاحبه با مدیران و کارشناسان به دست آمد به خوبی نشان می‌دهد که اجرای صحیح و شرعی این عقد با ۹ چالش اساسی مواجه است. البته این اشکالات الزاما معادل وجود شبهه فقهی نیست؛ بلکه بخش مهمی از آنها به دور شدن ماهیت قرارداد مشارکت مدنی از ذات شراکت و تبدیل شدن آن به قرارداد تأمین مالی با نرخ سود ثابت و از پیش تعیین شده مرتبط است. به عبارت دیگر، هر چند ممکن است برخی از چالش‌های مذکور را با برخی از توجیهاات و راه‌حل‌های فقهی برطرف کرد، اما این چالش‌ها حقیقتا سبب دور شدن عقد مشارکت از ماهیت عرفی خود می‌گردند؛ به نحوی که عرف عامه دیگر چنین قراردادی را شراکت در نظر نمی‌گیرد.

با این حال در این قسمت تلاش می‌شود تا با استفاده از روش دلفی، آسیب‌های شناسایی شده در اختیار گروهی از خبرگان بانکداری اسلامی (با دانش نظری و اجرایی مرتبط) قرار گرفته و دیدگاه آنها در رابطه با وجود این چالش‌ها در اجرای عقد مشارکت مدنی در بانک‌های توسعه‌ای دریافت شود. در ادامه به صورت مختصر، به جزئیات و نحوه استفاده از روش دلفی جهت گردآوری و تحلیل دیدگاه خبرگان اشاره می‌شود.

#### ۵-۱ روش دلفی و شیوه کاربرد آن در تحقیق

ایده دلفی، یکی از پرکاربردترین روش‌های پژوهش کیفی محسوب می‌شود که جهت دریافت نظر اجماعی خبرگان در رابطه با موضوعی خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش فرایندی است که دارای ساختار پیش‌بینی و کمک به تصمیم‌گیری بوده و بر اساس آن در طی چند مرحله پیمایشی، نظرات خبرگان جمع‌آوری شده و اجماع بین آنها شکل می‌گیرد. هدف اصلی محقق در روش دلفی، دسترسی به مطمئن‌ترین توافق گروهی خبرگان درباره موضوعی خاص است که با استفاده از پرسش‌نامه و نظرخواهی از خبرگان (در چند مرحله) صورت می‌پذیرد (ایمانی جاجرمی، ۱۳۷۹، ص. ۲۳؛ احمدی و دیگران، ۱۳۸۷، ص. ۸).

مسئله اصلی این پژوهش دریافت نظر خبرگان در رابطه چالش‌های اجرای قرارداد مشارکت مدنی در بانک‌های توسعه‌ای کشور است. جهت تعیین تیم خبرگان، باید به این نکته توجه کرد که خبرگان مرتبط در این پژوهش افرادی هستند که از یک طرف دانش نظری عمیقی در حوزه بانکداری اسلامی داشته و از سوی دیگر، از تجربه آشنایی عملی با فعالیت‌های بانک‌های توسعه‌ای-تخصصی برخوردار باشند.

با توجه به مجموع بررسی‌های انجام شده، به نظر می‌شود جامعه خبرگان بانکداری اسلامی در کشور با دانش عملی در حوزه بانکداری توسعه‌ای-تخصصی، یک جامعه حدوداً ۲۵ نفره باشد.<sup>۱</sup> در رابطه با نمونه‌گیری، هر چند در ادبیات روش پژوهش کیفی شیوه‌های مختلفی برای انجام این کار ارائه می‌شود، اما در این تحقیق با توجه محدود بودن تعداد خبرگان حاضر در جامعه تحقیق، تلاش شد جهت بالاتر بردن کیفیت پژوهش، کل جامعه مورد پیمایش قرار گیرد. به عبارت دیگر، نمونه این پژوهش کل جامعه انتخاب گردید. لازم به ذکر است که از مجموع ۲۵ نفر خبره، ۱۶ نفر جهت همکاری در پژوهش اعلام آمادگی کردند.

۱ البته در این تحقیق صرفاً خبرگان خاص حوزه بانکداری اسلامی با دانش عملی در حوزه بانکداری توسعه‌ای مورد توجه بوده و لذا صاحب‌نظران سایر حوزه‌های مرتبط مانند: اقتصاد اسلامی، مالی اسلامی، بازار سرمایه اسلامی و فقه‌الاقتصاد، در جامعه در نظر گرفته نشده‌اند.

به لحاظ عملیاتی، در مرحله اول دلفی پرسش‌نامه تهیه شده شامل ۹ سؤال می‌گردید و متناسب با هر چالش استخراج شده، یک سؤال در نظر گرفته شود. در این پرسش‌نامه از خبرگان درخواست گردیده بود تا از طریق پاسخگویی به سؤالات مندرج با طیف لیکرت<sup>۱</sup>، نظر خود را در رابطه با چالش‌های استخراج شده اعلام کنند. پس از برگزاری مرحله اول دلفی، این نتیجه حاصل شد که خبرگان تمامی ۹ گویه موجود در پرسش‌نامه را مورد تأیید قرار دادند. اما برخی از آنها نکات و ابهاماتی را در مرحله اول مطرح نمودند که این موارد در پرسش‌نامه دور دوم اصلاح گردید و مجدداً تأیید خبرگان در رابطه ۹ چالش دریافت شد که این موضوع نشان‌دهنده ایجاد «اشباع تئوریک، اقناع نظری و شکل‌گیری اجماع نسبی» است.

#### ۲-۵ یافته‌های روش دلفی

بررسی ادبیات علمی استفاده از روش تحقیق دلفی نشان می‌دهد که اولین گام در موفقیت پرسش‌نامه، تأیید روایی و پایایی آن است. روایی (اعتبار<sup>۲</sup>) پرسش‌نامه به این پرسش پاسخ می‌دهد که «آیا ابزار اندازه‌گیری مورد نظر می‌تواند ویژگی و خصوصیتی را که ابزار برای آن طراحی شده، اندازه‌گیری کند؟». به عبارت دیگر، ابزار اندازه‌گیری تا چه حد خصیصه موردنظر پژوهش را می‌سنجد (خلیلی شورینی، ۱۳۸۶، ص. ۲۸). در این پژوهش به منظور تضمین روایی پژوهش، از نظرات خبرگان بانکداری اسلامی در کشور استفاده گردید. به علاوه، در تحقیق حاضر تمامی جامعه مورد پیمایش قرار گرفت (تمامی ۲۵ خبره بانکداری اسلامی در کشور)؛ که این روایی ابزار اندازه‌گیری را تا حدود زیادی تأمین می‌کند.

ارزیابی «پایایی» ابزار، دومین گام در موفقیت پرسش‌نامه را شکل می‌دهد. پایایی (اعتماد<sup>۳</sup>) پرسش‌نامه به این پرسش پاسخ می‌دهد که: «آیا ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان، نتایج

۱ Likert spectrum

۲ Validity

۳ Reliability

یکسانی به دست می‌دهد؟». هر چند برای اندازه‌گیری پایایی از روش‌ها و شاخص‌های مختلفی استفاده می‌شود، اما همان طور که در منابع علمی مرتبط نشان داده شده، زمانی که پرسش‌نامه در جامعه‌ای محدود مورد بررسی قرار می‌گیرد، نیازی به استفاده از شاخص‌های مذکور وجود ندارد (سرمد و دیگران، ۱۳۸۹، ص. ۶۳). در تحقیق حاضر نیز به دلیل محدود بودن جامعه، استفاده از شاخص‌های پایایی فاقد موضوعیت است. هر چند در منابع علمی روش‌های مختلفی جهت تحلیل نتایج پرسش‌نامه‌های روش دلفی مطرح می‌شود، اما نکته مهم آن است که روش تحلیل بر اساس هدف دلفی، ساختار دورها، نوع پرسش‌ها و تعداد شرکت‌کنندگان تعیین شود. بنابراین طبیعی است که شیوه تحلیل از یک پژوهش به پژوهش دیگر، تغییر کند (تنودور و گردون، ۲۰۰۹، ص. ۸۵). در پژوهش حاضر پس از مشورت با برخی از استادان برجسته آمار و روش پژوهش، روش «آزمون دوجمله‌ای<sup>۱</sup>» مورد استفاده قرار گرفت. آزمون دوجمله‌ای، آزمونی ناپارامتری است که در آن بر مبنای یک مقدار یا مشخصه، به بررسی موفقیت و شکست پرداخته می‌شود. این آزمون به بررسی این مسئله می‌پردازد که آیا نیمی از افراد جامعه عملکرد بالا دارند یا خیر (در نیمی از آنها موفقیت وجود دارد یا خیر). در این آزمون چنانچه سطح معنی‌داری کمتر از میزان خطا باشد، بالا بودن و یا وجود متغیر مورد نظر استنباط می‌شود. از آنجا که این آزمون معمولاً در سطح خطای پنج درصد انجام می‌شود، برای رسیدن به این نتیجه باید سطح معنی‌داری کمتر از ۰۰۰۵ باشد (سرمد و دیگران، ۱۳۸۹، ص. ۸۳).

در پژوهش حاضر، پرسش‌های پرسش‌نامه از مقیاس‌های نسبی طیف لیکرت برخوردارند. در این طیف برای گزینه‌های کاملاً مخالفم، تا حدی مخالفم، بی‌نظرم، تا حدی موافقم و کاملاً موافقم به ترتیب اعداد یک تا پنج در نظر گرفته شد. با این شیوه اطلاعات کیفی و

---

<sup>۱</sup> Theodore and Gordon

<sup>۲</sup> Binomial Test

ناپارامتریک با مقادیر عددی و کمی تعبیر شدند. در عمل برای انجام آزمون دوجمله‌ای از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۶ استفاده شد؛ به این صورت که ابتدا در فرمان binomial مقادیر حدی تعریف گردید؛ جهت مثبت و موافق (پیروزی) برای کسانی که پاسخ کاملاً موافق و تا حدی موافق می‌دهند، بدون نظر برای افرادی که پاسخ بی‌نظر می‌دهند و نهایتاً جهت منفی و مخالف (شکست) برای کسانی که گزینه‌های کاملاً مخالف و تا حدی مخالف را انتخاب می‌نمایند. بر اساس این تقسیم‌بندی می‌توان تمامی خبرگان را به دو دسته تقسیم کرد: افرادی که نظر موافق دارند و آنها که نظرشان منفی است (خلیلی شورینی، ۱۳۸۶، ص. ۱۷). با توجه به آنچه مطرح شد، فرضیه‌های مورد آزمون دوجمله‌ای بدین صورت قابل ارائه است:

$$\begin{cases} H_0: p \leq 0,6 \\ H_1: p > 0,6 \end{cases}$$

فرضیه صفر معادل پاسخ‌های منفی و بی‌پاسخ (افرادی که گزینه‌های کاملاً مخالف، تا حدی مخالف و بی‌نظر را انتخاب کرده‌اند) و فرضیه جایگزین معادل پاسخ‌های مثبت (کاملاً موافق و یا تا حدی موافق) است. دلیل انتخاب عدد ۰,۶ آن است که مقدار  $p=0,6$  حد آستانه‌ای در نظر گرفته شده است.

نتایج مرحله دوم دلفی که از طریق آزمون دوجمله‌ای مورد تحلیل قرار گرفته، در جدول شماره ۱ ارائه شده است. همان طور که ملاحظه می‌شود، سطح معنی‌داری محاسبه شده برای تمامی گویه‌ها کمتر از میزان آلفای پژوهش (پنج درصد) است و بنابراین می‌توان گفت فرض صفر رد شده و خبرگان با چالش‌های ذکر شده جهت کاربرد عقد مشارکت مدنی در بانک‌های توسعه‌ای موافقت دارند.

جدول ۱: نظرات خبرگان در مورد چالش‌های استفاده از عقود مشارکتی در بانک‌های توسعه‌ای

شماره	گویه	سطح معنی‌داری	درصد موافقت	تایید یا رد فرضیه پایه
-------	------	---------------	-------------	------------------------

رد	۸۹	۰,۰۰۰	شایستگی اعتباری تسهیلات‌گیرنده و ارزیابی فنی پروژه به صورت حداقلی و صرفاً جهت تضمین بازپرداخت اصل و سود انجام می‌شود و نه با هدف انجام مشارکت واقعی با مشتری.	۱
رد	۹۰	۰,۰۰۰	مشتریان در عقد مشارکت مدنی، درک درستی از ماهیت این عقد نداشته و بانک نیز به شیوه صحیح مشتریان را تفهیم نمی‌کند.	۲
رد	۹۲	۰,۰۰۰	با توجه به اینکه در عقد مشارکت مدنی بدهی شکل نمی‌گیرد، دریافت وثیقه از مشتری در رابطه با اصل، سود، وجه التزام و غیره سبب دور شدن این عقد از ماهیت شراکتی خود می‌گردد.	۳
رد	۹۶	۰,۰۰۰	تضمین بازپرداخت اصل و سود توسط مشتری، با ماهیت شراکتی عقد تعارض داشته و سبب می‌گردد عرف دیگر این قرارداد را مشارکت در نظر نگیرد.	۴
رد	۹۱	۰,۰۰۰	در تمامی پرونده‌های مشارکت مدنی، نرخ سود مورد انتظار همان نرخ تسویه محسوب شده و قیمت‌گذاری پروژه صرفاً بر اساس سود مورد انتظار انجام می‌شود. انجام این کار سبب دور شدن قرارداد از مفهوم واقعی شرکت می‌گردد.	۵
رد	۸۷	۰,۰۰۰	به صورت طبیعی طرفین عقد شرکت علاوه بر سود در زیان هم شریک هستند. لذا اینکه بانک با شرط ضمن عقد مسئولیت زیان را به طور کامل به مشتری منتقل می‌کند، با ماهیت مشارکتی این عقد سازگاری بالایی ندارد.	۶
رد	۸۸	۰,۰۰۰	لازمه اجرای صحیح عقد مشارکت مدنی در عمل، نظارت صحیح بانک بر اجرا و خاتمه پروژه به شیوه صحیح است و نبود نظارت، سبب دور شدن قرارداد از مفهوم مشارکت می‌گردد.	۷
رد	۹۰	۰,۰۰۰	اینکه سود تعهدی از زمان انعقاد قرارداد به عنوان بدهی مشتری منظور شده و در پایان قرارداد نیز مبنای تسویه قرار می‌گیرد، با ماهیت مشارکتی این عقد و انتظاری بود سود، سازگاری بالایی ندارد.	۸
رد	۸۹	۰,۰۰۰	منطق طبیعی عقد مشارکت مدنی آن است که محاسبه سود پس از مرحله بهره‌برداری (که پروژه به سوددهی رسیده) انجام شود و لذا اینکه بانک در دوره اجرای پروژه نسبت به شناسایی سود اقدام می‌کند چندان با ماهیت عقد مشارکت مدنی سازگاری ندارد.	۹

یادداشت: سطح خطا در تمامی موارد ۰,۰۰۵ است

۶ راهکار پیشنهادی: استفاده گسترده از مراجه پروژه‌ای و محدود کردن مشارکت مدنی

به موارد خاص

بررسی‌های انجام شده در قسمت قبل که بر اساس مطالعه میدانی به دست آمد و به تأیید خبرگان بانکداری اسلامی نیز رسید، به خوبی نشان می‌دهد که اجرای عقد مشارکت مدنی در بانک‌های توسعه‌ای با مشکلات و شبهات متعددی مواجه است. چرا که نه بانک



و نه مشتری انگیزه‌ای برای انجام مشارکت واقعی ندارد و هدف صرفاً دریافت تسهیلات با نرخ ثابت و بدون ریسک است. حال سؤالی که مطرح می‌شود آن است که راهکار پیشنهادی جهت حل این مشکل چیست؟

هر چند هدف اصلی این مقاله آسیب‌شناسی بوده و ارائه راهکار لازم است در تحقیقات آتی مورد توجه قرار گیرد، اما جهت تقویت بعد اثباتی و ایجابی پژوهش، می‌توان به صورت اجمالی و اولیه و با الگو گرفتن از تجربه تاریخی اجرای عقود اسلامی در بانک‌های اسلامی سایر کشورها، راهکاری جدید جهت حل چالش اجرای ناصحیح مشارکت مدنی در بانک‌های توسعه‌ای ارائه کرد.

راهکار مذکور بدین صورت قابل ارائه است که بانک توسعه‌ای بر اساس چارچوبی که در ادامه ذکر می‌شود، به صورت عمومی و کلی از ابزار «مربحه پروژه‌ای یا اعتبار برای پروژه» جهت تأمین مالی مشتریان استفاده کند و استفاده از عقد مشارکت مدنی را به موارد خاص و پروژه‌های با کیفیت بالا محدود کند. در این راهکار جدید بانک موظف است از ابتدا مشخص کند که آیا پروژه مشتری از شایستگی کافی جهت مشارکت واقعی بانک (با پذیرش سود متغیر و واقعی، مشارکت در ریسک، نظارت پیوسته و غیره) برخوردار است یا خیر؟ طبعاً بانک صرفاً در مواردی از مشارکت مدنی استفاده می‌کند که پاسخ به این سؤال مثبت باشد و در سایر موارد (که اکثر پرونده‌ها را تشکیل می‌دهد) از راهکار مربحه پروژه‌ای استفاده می‌کند.

راهکار «مربحه پروژه‌ای یا اعتبار برای پروژه» کاربرد جدید و نوینی از مفهوم مربحه است که تا کنون به صورت گسترده در بانک‌های اسلامی سایر کشورها مورد استفاده قرار گرفته و در سال‌های اخیر نیز استفاده از آن در شبکه بانکی کشور نیز در قالب کارت اعتباری مربحه (در سطح تأمین مالی خرد) رو به رشد بوده است. در واقع مربحه پروژه‌ای همان کارکرد کارت اعتباری مربحه در سطح خرد را در رابطه با پروژه‌های تولیدی در سطح کلان برعهده دارد.

بر خلاف عقد مشارکت مدنی که در هر مرحله تسهیلات (سهام‌الشرکه بانک) متناسب با پیشرفت کار به حساب مشترک مشارکت واریز می‌شد، در الگوی جدید در هر مرحله کارت اعتباری مباحه پروژه‌ای در اختیار مشتری قرار می‌گیرد. همچنین، با توجه به اینکه بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه و اهل سنت و همچنین نظر شورای نگهبان مباحه شامل خرید کالاها، خدمات، منافع، حقوق، امتیازات و غیره می‌گردد (موسویان، ۱۳۹۰، ص. ۲۵) مشتری می‌تواند از این ابزار جهت خرید کلیه کالاها و خدمات مورد نیاز جهت احداث پروژه استفاده کند. ظرفیت‌های کاربرد مباحه پروژه‌ای در شکل ۲ بیان شده است.

شکل ۲: ظرفیت‌های کاربرد مباحه پروژه‌ای (اعتبار برای پروژه)



همچنین ویژگی مهم عقد مرابحه آن است که چارچوبی منعطف جهت بازپرداخت در اختیار مشتری قرار می‌دهد. چرا که از منظر فقه اسلامی، هیچ نوع محدودیت یا ضابطه‌ای در «شیوه بازپرداخت ثمن» در عقد مرابحه وجود ندارد. در واقع، هر چند با انعقاد قرارداد مرابحه بدهی بین بانک و مشتری شکل می‌گیرد، شیوه بازپرداخت ثمن معامله (شامل اصل و سود) موضوعی توافقی بین بانک و مشتری است و لذا محدودیتی در رابطه با آن وجود ندارد. استفاده از این روش سبب می‌گردد تا مشتری با «اقساط استطاعت‌پذیر» مواجه باشد و این به صورت درون‌زا از نیاز به تمدیدهای مکرر جلوگیری می‌کند. علاوه بر این استفاده از این ویژگی سبب متناسب‌سازی «برنامه بازپرداخت تسهیلات بانک» با «برنامه درآمدزایی پروژه» می‌گردد. مثلاً مشتری و بانک توافق می‌کنند که در طول دوره اجرای پروژه که طرح از درآمدزایی برخوردار نیست، صرفاً سود تسهیلات بازپرداخت شود؛ اما در سررسید که پروژه به مرحله بهره‌برداری، فروش و درآمدزایی می‌رسد، اصل تسهیلات نیز به صورت دفعی یا اقساطی، توسط مشتری بازپرداخت گردد (میثمی و ملاکریمی، ۱۳۹۹، ص. ۲۳).

در نهایت لازم به ذکر است که راهکار «مرابحه پروژه‌ای» علیرغم نقاط قوت و ظرفیت‌های بالایی که جهت کاربرد در بانک‌های توسعه‌ای دارد، با محدودیت‌های شرعی خاصی نیز مواجه می‌باشد که لازم است به آنها توجه شود. به‌طور مشخص، تسهیلات پرداختی در قالب حقوقی مرابحه پروژه‌ای، نمی‌تواند به «وجه نقد» تبدیل شده و از آن جهت پوشش سایر نیازهای مشتری استفاده شود؛ بلکه لازم است از این تسهیلات صرفاً جهت پروژه مبنای تأمین مالی استفاده شود. همچنین، تسهیلات‌گیرنده نمی‌تواند منابع حاصل از این قرارداد را جهت «تسویه بدهی‌های گذشته»، «سپرده‌گذاری در بانک‌ها و کسب سود» و «قرض و هبه به سایر اشخاص» استفاده کند؛ یعنی مشتری نمی‌تواند با این تسهیلات بدهی‌های قبلی خود را بپردازد یا اینکه منابع را در یک بانک سپرده‌گذاری کرده و نسبت

به دریافت سود اقدام کند. همچنانکه نمی‌تواند این منابع به افراد دیگر قرض‌الحسنه دهد یا هبه کند؛ زیرا این امور خلاف ماهیت عقد مرابحه پروژه‌ای بوده و سبب تخلف از قرارداد و ایجاد مسئولیت شرعی می‌گردد.

به هر حال در صورت تخلف مشتری از قرارداد مرابحه پروژه‌ای، هر چند معامله الزاماً باطل نمی‌شود، اما مشتری به لحاظ شرعی دیگر حق تصرف در منابع بانک را نخواهد داشت و باید آن را به بانک بازگرداند (در صورت تصرف، مشمول اکل مال به باطل می‌گردد). اگر هم سودی در ارتباط با این منابع ایجاد شود، متعلق به بانک (مالک اصلی و اولی پول) خواهد بود. همچنین، بانک نیز نمی‌تواند از مشتری سودی دریافت کند و لذا در صورتی که بازپرداخت به صورت اقساطی انجام می‌شود، باید بخشی از اقساط دریافتی را که به دلیل سود دریافت می‌شود، به مشتری بازگرداند (هر قسط شامل بخشی از اصل و سود می‌گردد). البته، دریافت وجه التزام از مشتری به دلیل تخلف از قرارداد امکان‌پذیر است.

#### ۷. نتیجه‌گیری، توصیه‌های سیاستی و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

این تحقیق تلاش نمود تا با بررسی میدانی نمونه‌ای منتخب از پرونده‌های مشارکت مدنی در یکی از بانک‌های توسعه‌ای کشور، چالش‌های استفاده از این قرارداد در عمل را استخراج نموده و با استفاده از روش دلفی دو مرحله‌ای، تأیید خبرگان بانکداری اسلامی در رابطه با این چالش‌ها را دریافت کند. همچنین راهکار مرابحه پروژه‌ای را به عنوان جایگزینی برای عقد مشارکت مدنی در بانک‌های توسعه‌ای مطرح نمود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که آسیب‌های استفاده از عقد مشارکت مدنی در بانک‌های توسعه‌ای کشور عبارت‌اند از: ضعف در بررسی شایستگی اعتباری تسهیلات‌گیرنده و ارزیابی فنی پروژه، تفهیم نامناسب ماهیت قرارداد به تسهیلات‌گیرنده، دریافت وثیقه از مشتری در رابطه با اصل، سود، وجه التزام و غیره، تضمین بازپرداخت اصل و سود (تبدیل نرخ سود مورد انتظار به نرخ تسویه)، قیمت‌گذاری پروژه صرفاً بر اساس سود مورد انتظار، مشارکت

نکردن بانک در زیان، نظارت ناکافی بر اجرا و خاتمه پروژه، محاسبه سود به صورت تعهدی و در نهایت شناسایی سود تعهدی در دوره اجرای پروژه. بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان نکات ذیل را مورد تأکید قرار داد:

الف- بررسی انجام شده به خوبی نشان می‌دهد که هدف و قصد اصلی بانک و مشتری در استفاده از عقد مشارکت مدنی صرفاً «تأمین مالی با نرخ سود ثابت و از پیش تعیین شده با حداقل ریسک» می‌باشد و هیچ یک قصد شراکت واقعی و منطبق با شریعت را ندارد.

ب- چالش‌های ذکر شده الزاما به معنی وجود شبهه فقهی نمی‌باشند؛ زیرا بر اساس برخی دیدگاه‌های فقهی (مثلا دیدگاه شورای نگهبان جهت پذیرش تضمین اصل و سود در قالب صلح توسط مشتری) می‌توان چالش‌های مذکور را به نحوی توجیه کرد. اما نکته مهم آن است که از منظر عرف وجود این اشکالات سبب می‌گردد که قرارداد مشارکت از ذات اصلی خود دور شود به نحوی که عرف عام دیگر چنین قراردادی را شراکت در نظر نمی‌گیرد.

پ- ایده مرابحه پروژه‌ای یا اعتبار برای پروژه، می‌تواند به عنوان جایگزینی مناسب برای بانک‌های توسعه‌ای در رابطه با اکثر پروژه‌ها محسوب شود. چرا که ظرفیت‌های عقد مرابحه در فقه اسلامی و قوانین کشور گسترده بوده و شامل کالاها، خدمات، منافع، حقوق، امتیازات و غیره می‌گردد. بر این اساس، مرابحه پروژه‌ای می‌تواند همان کارکرد کارت اعتباری مرابحه در سطح خرد را در رابطه با پروژه‌های تولیدی در سطح کلان، ایجاد کرد.

با توجه به تحلیل‌های ارائه شده، می‌توان توصیه‌های ذیل را خطاب به مدیران بانک‌های توسعه‌ای کشور به طور خاص و به سیاست‌گذاران نظام بانکی به طور عام ارائه کرد: با توجه به اینکه بانک‌های توسعه‌ای اساساً نیت انجام مشارکت واقعی با اکثر مشتریان را ندارند و از ظرفیت‌های نظارتی، حسابداری و فنی لازم جهت اجرای شراکت واقعی نیز

برخوردار نمی‌باشند، توصیه می‌شود استفاده از عقد مشارکت مدنی در این بانک‌ها محدود شود. به این معنی که صرفاً در رابطه با پروژه‌های خاصی که بانک از سوددهی آنها اطمینان بالایی داشته و حقیقتاً قصد شراکت دارد از این عقد استفاده کند و در سایر موارد (که اکثر پروژه‌های مشتریان را شامل می‌شود) از عقد مباحه پروژه‌ای استفاده شود. به ویژه اینکه به لحاظ شرعی عقد مشارکت مدنی هیچگونه مزیتی نسبت به عقود مبادله‌ای (مانند مباحه) نداشته و لذا اصرار و تعصب ورزیدن بر اجرای ناصحیح عقد مشارکتی در حالی که جایگزین‌های نزدیک منطبق با شریعت وجود دارد، منطقی به نظر نمی‌رسد. استفاده از عقد مباحه سبب می‌گردد که قالب حقوقی قرارداد با انگیزه و قصد اصلی طرفین یعنی تأمین مالی با نرخ سود ثابت و از پیش تعیین شده سازگاری بهتری پیدا کند.

با توجه به اینکه در کشور فرم قراردادهای استانداردهای حسابداری و الگوی نظارتی عقود توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود، لذا به نظر می‌رسد اجرای مشارکت واقعی توسط بانک‌های توسعه‌ای عملاً با ضوابط فعلی امکان‌پذیر نباشد. بر این اساس توصیه می‌شود بانک مرکزی ضمن محدود نمودن استفاده از این عقد به موارد خاص، چارچوب جدیدی جهت کاربرد عقد مشارکت مدنی به بانک‌های توسعه‌ای ارائه کند که در آن استانداردهای اجرای مشارکت واقعی (شامل: تضمین نکردن اصل و سود توسط مشتری، محاسبه نرخ سود به صورت واقعی بدون در نظر گرفتن سقف، مشارکت بانک در زیان، نظارت دقیق بر پروژه توسط بانک و غیره) مورد توجه قرار گیرد.

به نظر می‌رسد یافته‌های این تحقیق می‌تواند سؤالات جدیدی را پیش روی محققین بانکداری اسلامی در کشور قرار دهد که پرداختن به آنها می‌تواند موضوعی برای پژوهش‌های آتی در این حوزه محسوب شود. به طور مشخص مسائل ذیل می‌تواند مورد بررسی بیشتر قرار گیرد:

در تحقیق حاضر جهت تأیید وجود چالش‌های شرعی در کاربرد عقد مشارکت مدنی در بانک‌های توسعه‌ای، صرفاً نظر خبرگان این حوزه گردآوری گردید. اما به نظر می‌رسد

دریافت و تحلیل نظر و بازخورد مشتریان در رابطه با این چالش‌ها به صورت میدانی نیز می‌تواند موضوعی مناسب برای تحقیقات آتی محسوب شود. انجام این کار به درک بهتر چالش‌های شرعی موجود در اجرای عقد مشارکت مدنی و استخراج دیدگاه عرف در عمل، کمک می‌کند.

در این تحقیق صرفاً راهکار مراتبه پروژه‌ای به عنوان جایگزین عقد مشارکت مدنی در بانک‌های توسعه‌ای مطرح شد. با این حال تحقیقات آتی می‌توانند ضمن تبیین ابعاد اجرایی راهکار مراتبه پروژه‌ای، سایر روش‌ها و ابزارهایی که می‌توان با استفاده از ظرفیت فقه اسلامی جهت جایگزینی عقد مشارکت مدنی ارائه نمود را مورد بحث قرار دهند.

#### منابع و مأخذ

- احمدی، ف.، نصیریانی، خ. و اباذری، پ. (۱۳۸۷). تکنیک دلفی: ابزاری در تحقیق. فصلنامه آموزش در علوم پزشکی، ۸.
- ایمانی جاجرمی، ح. (۱۳۷۹). آشنایی با روش دلفی و کاربرد آن در تصمیم‌گیری. دوفصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، ۱.
- بدری، ا. (۱۳۹۵). صورت عملکرد سپرده‌های سرمایه‌گذاری: ارتقای پاسخگویی در مدل کسب‌وکار بانکداری بدون ربا همگرا با IFRS. مقاله سیستمی پژوهش‌شکده پولی و بانکی، شماره-MBRI-PP-۹۵۰۰۲.
- توتونچیان، ا. (۱۳۷۹). پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری. تهران: توانگران.
- جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. (۱۳۹۲). توضیح‌المسائل مراجع: مطابق با فتاوی سیزده نفر از مراجع معظم تقلید. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حاجیان، م. ر. (۱۳۹۰). موانع و مشکلات اجرای عقود مشارکتی در نظام بانکی کشور. تهران: پژوهش‌شکده پولی و بانکی.

- خلیلی شورینی، س. (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق در علوم انسانی. چاپ پنجم، تهران: یادواره کتاب.
- ذوالفقاری، الف؛ مروی، ر. و توتونچیان، الف. (۱۳۹۹). نقش حافظه سیستم در اجرای صحیح قرارداد مشارکت بانکی در نظام بانکداری اسلامی. *دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۲۵.
- السان، م. (۱۳۸۹). حقوق بانکی. تهران: سمت.
- سرمد، ز.، بازرگان، ع. و حجازی، الف. (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. چاپ بیستم، تهران: آگاه.
- صدر، م. ب. (۱۴۱۷ق.). البنك اللاربوی فی الإسلام. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- قلیچ، و. (۱۳۹۵). بررسی میزان انطباق قرارداد و عملیات مشارکت مدنی با موازین شریعت در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی*، ۱۵.
- مصباحی‌مقدم، غ. و نعمتی، م. (۱۳۹۷). تحلیل فقهی-حقوقی برخی از مواد قرارداد مشارکت مدنی بانکی. *فصلنامه پژوهش‌نامه میان‌رشته‌ای فقهی*، ۱۳.
- ملاکریمی، ف. و راغبی، م. (۱۳۹۸). معیارهای تشخیص شروط خلاف مقتضای عقد در عقود مشارکتی. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۷۴.
- موسوی خمینی، ر. (۱۴۱۶ق.). *تحریر الوسیله*. ج. ۲، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- موسویان، س. ع. (۱۳۹۰). *طرح تحول نظام بانکی: اصلاح قانون و الگوی بانکداری بدون ربا*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- موسویان، س. ع. و میثمی، ح. (۱۳۹۶). *بانکداری اسلامی (۲): بانکداری مرکزی اسلامی و سیاست‌گذاری پولی و ارزی*. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- موسویان، س. ع. و میثمی، ح. (۱۳۹۷). *بانکداری اسلامی (۱): مبانی نظری-تجاری عملی*. ویرایش ششم، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.



- میثمی، ح.، و ملاکریمی، ف. (۱۳۹۹). ارائه روش جدید کاربرد عقد مباحه در شبکه بانکی با رویکرد قسطبندی متفاوت اصل و سود تسهیلات. (گزارش پژوهشی شماره ۹۹۰۸). تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- نظریور، م.، و ملاکریمی، ف. (۱۳۹۴). بررسی قرارداد مشارکت مدنی بانک مرکزی از دید قواعد فقهی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۵۷.
- نظریور، م.، و ملاکریمی، ف. (۱۳۹۶). بررسی کاربرد قاعده شرط در قراردادهای بانکی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۶۵.
- نظریور، م.، و ملاکریمی، ف. (۱۳۹۷). کاربرد قواعد فقهی در نمونه‌ای از قراردادهای بانکی. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- Ahmadi, F., Nasiriani, Kh. and Abazari, P. (1387). Delphi technique: a tool in research. Education Quarterly in Medical Sciences, 8 (In Persian).
- . Sarmad, Z., Bazargan, A. and Hijazi, A. (1389). Research methods in behavioral sciences. 20th edition, Tehran: Aghat Publications (In Persian).
- Sadr, M. b. (1417 A.H.). Al-Bank Al-Larboy fi-e-Islam. Beirut: Dar al-Taarif for Press (In Persian).
- Qalich, and. (1395). Examining the degree of compliance of civil partnership contracts and operations with Sharia standards in the banking system of the Islamic Republic of Iran. Marafet Islamic Economy Quarterly, 15 (In Persian).
- Mesbahi Moghadam, G. and Nemati, M. (1397). Jurisprudential-legal analysis of some articles of the banking civil partnership contract. Quarterly Journal of Interdisciplinary Jurisprudential Research, 13 (In Persian).
- Malakrimi, F. and Raghebi, M. (2018). The criteria for identifying the conditions contrary to the requirements of the contract in partnership contracts. Islamic Economy Quarterly, 74 (In Persian).
- Mousavi Khomeini, r. (1416 A.H.). Tahrir al-Wasila. J. 2, Qom: Society of teachers of Qom seminary (In Persian).

- Mousaviyan, S. A. (1390). Bank system transformation plan: reforming the law and usury-free banking model. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought (In Persian).
- Mousaviyan, S. A. and Maithami, H. (1396). Islamic banking (2): Islamic central banking and monetary and foreign policy. Tehran: Research Institute of Money and Banking (In Persian).
- Mousaviyan, S. A. and Maithami, H. (1397). Islamic banking (1): theoretical foundations-practical experiences. 6th edition, Tehran: Research Institute of Money and Banking (In Persian).
- Maithami, H., and Malakrimi, F. (2019). Presenting a new method of using the Murabahah contract in the banking network with a different installment approach of principal and interest of the facility. (Research Report No. 9908). Tehran: Research Institute of Money and Banking (In Persian).
- Imani Jajermi, h. (1379). Familiarity with the Delphi method and its application in decision making. Bi-Quarterly Journal of Urban Planning and Management, 1 (In Persian).
- Nazarpour, M., and Malakrimi, F. (1394). Examining the civil partnership contract of the central bank from the point of view of jurisprudence. Islamic Economy Quarterly, 57 (In Persian).
- Nazarpour, M., and Malakrimi, F. (1396). Examining the application of the condition rule in banking contracts. Islamic Economy Quarterly, 65 (In Persian).
- Nazarpour, M., and Malakrimi, F. (1397). Application of jurisprudence rules in an example of banking contracts. Tehran: Research Institute of Money and Banking (In Persian).
- Badri, A. (1395). Investment Deposits Performance Statement: Improving Accountability in the Interest-Free Banking Business Model Converging to IFRS, Monetary and Banking Research Institute Policy Paper, No. MBRI-PP-95002 (In Persian).
- Totunchian, A. (1379). Islamic money and banking and its comparison with the capitalist system. Tehran: Tawangaran Publishing House (In Persian).

- Community of Qom seminary teachers. (1392). Explanation of the issues of the authority: according to the fatwa of thirteen people of the supreme authority of taqlid. Qom: Society of teachers of Qom seminary (In Persian).
- Hajian, M. R. (1390). Obstacles and problems of implementing cooperative contracts in the country's banking system. Tehran: Research Institute of Money and Banking (In Persian).
- Khalili Shurini, S. (1386). Research methods in humanities. 5th edition, Tehran: Yadavare Kitab Publishing House (In Persian).
- Zulfqari, A., Maravi, R. and Totunchian, A. (2019). The role of system memory in the correct implementation of the banking partnership contract in the Islamic banking system. Bi-Quarterly Journal of Islamic Economic Studies, 25 (In Persian).
- Elsan, M. (1389). Banking rights. Tehran: Samit Publications (In Persian).
- AAOIFI, (2017). Accounting, Auditing and Governance Standards for Islamic Financial Institutions. Bahrain: Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions.
- Fabozzi, F. and Jones, F. (2019). Foundations of Global Financial Markets and Institutions. Cambridge: The MIT Press.
- Habib, S. (2019). Fundamentals of Islamic finance and banking. New Jersey: John Wiley and Sons.
- Iqbal, Z., and Mirakhor, A. (2011). An Introduction to Islamic finance: Theory and practice. Washington: Wiley Finance.
- Madura, J. (2014). Financial Markets and Institutions. London: Cengage Learning.
- Simpson, T. (2014). Financial Markets, Banking and Monetary Policy, London: Wiley Finance.
- Theodore, J., Gordon, M., (2009), the Millennium Project: Futures Research Methodology, New York: Amer Council for the United Nations.
- Zubair, H. (2014). Islamic banking and finance: An integrative approach. Oxford: Oxford University Press.

